
کتابخانهٔ
لس شورای
اسلامی
۵ سنا

نام کتاب : ....

مؤلف : ....

مترجم : ....

مصحح : ....

ناشر : ....

تاریخ انتشار : ....

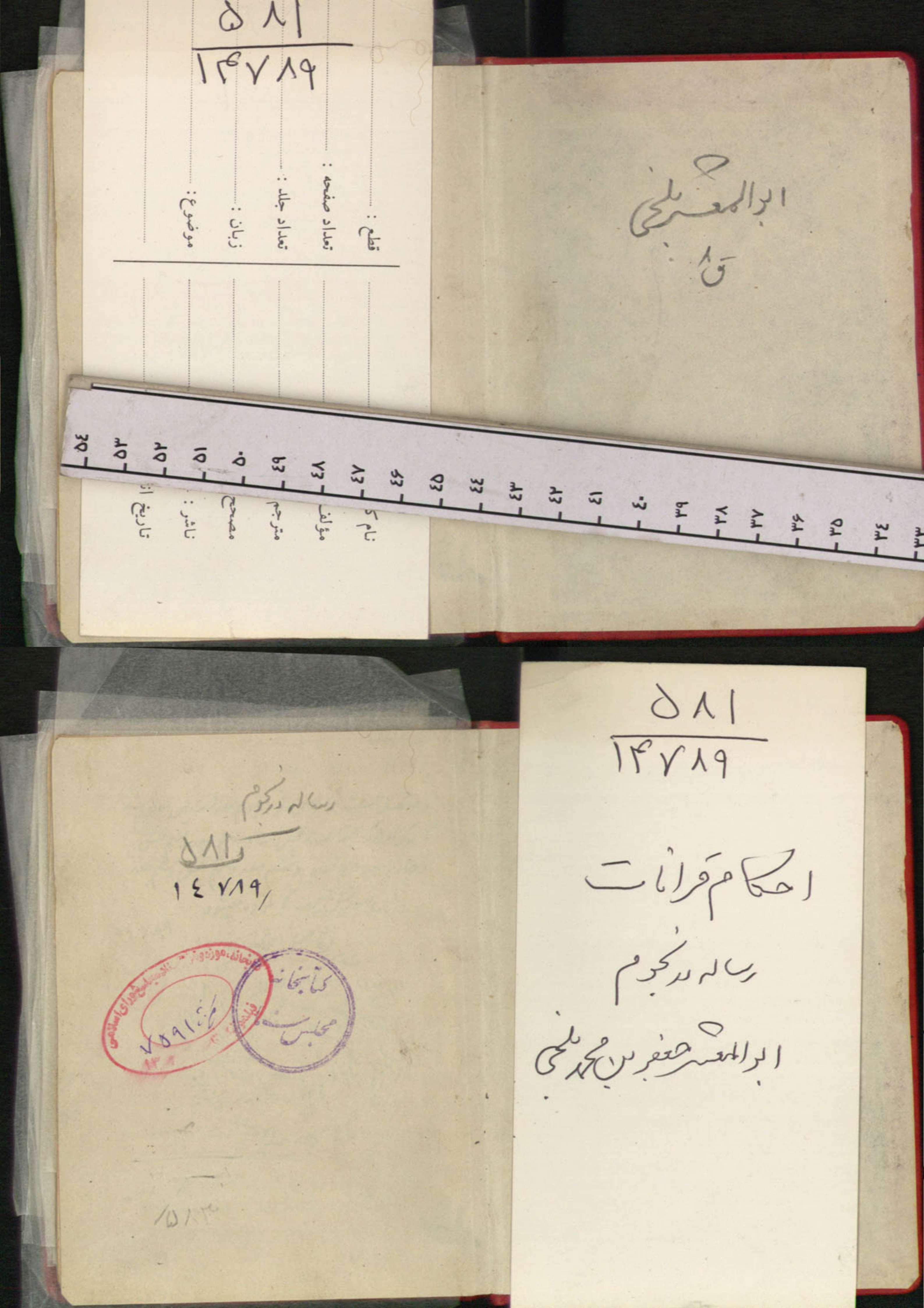
قطع : ....

تعداد صفحه : ....

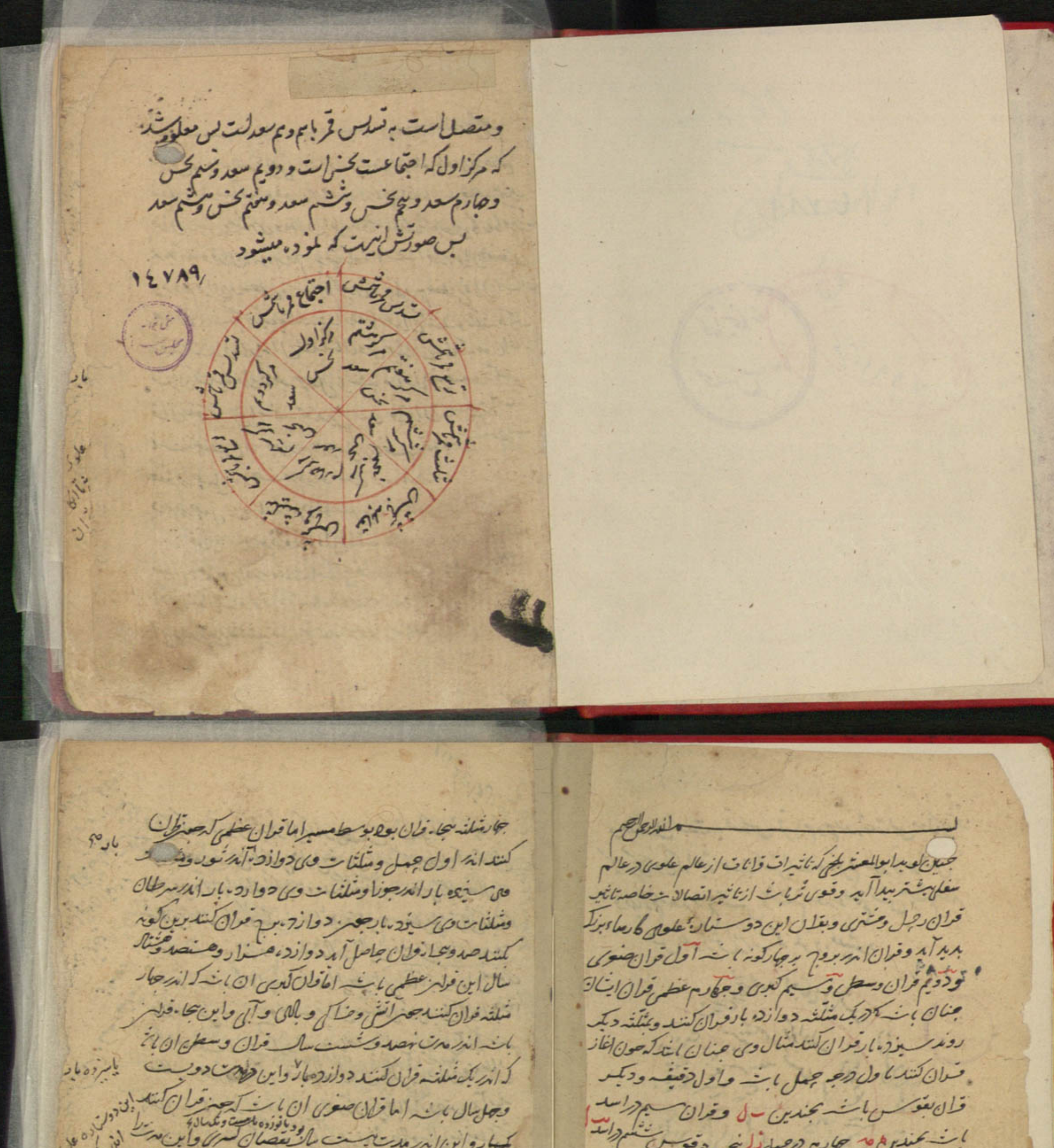
تعداد جلد : ....

زبان : ....

موضوع : ....



۵۸۱
۱۴۷۸۹
قطع :
تعداد صفحه :
تعداد جلد :
زبان :
موضوع :
نام کتاب
مؤلف
مترجم
مصحح
ناشر :
تاریخ
ابوالمعشر بلخی
رساله در نجوم
۵۸۱
۱۴۷۸۹
کتابخانه مجلس
۵۸۱
۱۴۷۸۹
احکام قرانات
رساله در نجوم
ابوالمعشر جعفر بن محمد بلخی



و متصل است به تسدس قمر با سعد و هم سعد است پس معلوم شد
که مرکز اول که اجتماعست نحس است و دویم سعد و سیم نحس
و چهارم سعد و پنجم نحس و ششم سعد و هفتم نحس و هشتم سعد
پس صورتش اینست که نموده میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

چنین گوید ابو المعشر بلخی که تاثیرات و آفات از عالم علوی در عالم
سفلی بیشتر پیدا آید و قوی تر باشد از تاثیر اتصالات خاصه تاثیر
قران زحل و مشتری و بقران این دو ستاره علوی کارهای بزرگ
پدید آید و قران اندر بروج بر چهار گونه باشد اول قران صغری
دویم قران وسطی و سیم کبری و چهارم عظمی قران ایشان
چنان باشد که در یک مثلثه دوازده بار قران کنند و بمثلثه دیگر
روند سیزده بار قران کنند مثال وی چنان باشد که چون آغاز
قران کنند باول درجه حمل باشد و اول دقیقه و دیگر
قران بقوس باشد بچندین ب ل و قران سیم در اسد
باشد بچندین ه مه چهارم در حمل ز ل پنجم در قوس ششم در اسد
هفتم در حمل یه مه هشتم در قوس یز ل نهم در اسد ک مه
دهم در حمل کد ل یازدهم در قوس له مه دوازدهم در اسد
کز ل قران سیزدهم در ثور باول دقیقه و بگردد از مثلثه آتشی بمثلثه
خاکی و همچنین اندر مثلثه خاکی قران کنند سیزده بار بمثلثه
بادی انتقال کنند و قران کنند دوازده بار و انتقال کنند بمثلثه
آبی و اندرین مثلثه قران کنند سیزده بار جمله این قرانات اندر

چهار مثلثه بچهل و نه قران بود و بوسطی مسیر اما قران عظمی که چون قران
کنند اندر اول حمل و مثلثات وی دوازده بار اندر ثور و مثلثات
وی سیزده بار اندر جوزا و مثلثات وی دوازده بار اندر سرطان
و مثلثات وی سیزده بار جمله دوازده برج قران کنند بدین گونه
بکنند صد و پنجاه قران حاصل آید دوازده هزار و هشتصد و هشتاد
سال این قران عظمی باشد اما قران کبری آن باشد که اندر چهار
مثلثه قران کنند چون آتشی و خاکی و بادی و آبی و این پنجاه قران
باشد اندر مدت نهصد و شصت سال قران وسطی آن باشد
که اندر یک مثلثه قران کنند دوازده بار و این در مدت دویست
و چهل سال باشد اما قران صغری آن باشد که چون قران کنند
یکبار و این اندر مدت بیست سال نقصان کسری و این مدت را
صغری خوانند اما تاثیر قران عظمی آن باشد که بگردد حالها عالم سفلی
بجملگی و حالها و ملتها همه دیگرگون شود و موضع گرمسیر سرد شود و سرد
سیر گرم شود و دریا بیابان گردد و بیابان دریا و طوفانها عجایبها بزرگ
در عالم پدید آید و شهرهای بزرگ ویران گردد و ویران آبادان شود
صنعتها و مردمان از حالی بحالی شود و زبانها و خط و بلاغت و صناعت و زینت
و سیرت خلایق همه بگردد و حال چهارپایان و وحوش همه

ودیگر گونه شود و تاثیر قران کبری همچنین باشد و بگرداند حالهای
عجم را بهمه قران عظمی دلیل بخیری باشد که بیرون آید بحق
و همچنان دولتها و ملتها بگردد و ملت و شریعت وی اندر میان
خلایق عالم بماند … و تاثیر قران وسطی بهمه قران کبری
باشد و همچنان اندر وقت انتقال این قران حالها نو پدید
آید و بگرداند دولتها از خاندانی بخاندانی اما تاثیر قران صغری
بهمه قران وسطی باشد و جز قران وسطی قوی باشد بگرداند دولتها را
و اگر ضعیف باشد نگرداند اندر حالها خارجیان بیرون آیند که بر
ملکان و حربهای بزرگ افتد و اگر … واقع آمدن و اگر برج قران وتد طالع
سال باشد از اوتاد و یا مایل الاوتاد … حالها و تر پدید آید
و مشهور باشد و اگر برج قران از اوتار طالع سال ساقط باشد
آن حالها دیرتر پدید آید و مشهور نگردد و حالها که پدید آید ناحق باشد
و چون خواهی که بدانی که حالها چگونه باشد بنگر برج قران و آن ستاره
که مستولی باشد بر برج قران خانه زحل باشد یا شرف یا اوج
زحل یا مثلثه زحل و زحل مستقیم بود و اندر برج قران قوی تر از
مشتری باشد و ستارگان دیگر همه بدو پیوند دهند دلیل کند بر
پدید آمدن ملکی جبار و متکبر و جابر و قاهر و سیرتش بد بود و

آیین بد نهد و مر خویشتن را بپسندد و کس را نیک نخواهد و بخیل بود
و بناها بسیار کند و مردمان اندر رنج بسیار بمانند و مردمان … کش
سخت ناکس و ستمکاران باشند و بصورت نیکوکمتر باشند و
جامها درشت پوشند و اگر این قوت مشتری را بود در برج قران
و مستولی وی باشد پادشاهی پیغمبری که بیرون آید بازهد بسیار
باشد و شریعت وی آسان باشد و مردمان بطوع قبول
کنند و مردمان اندر آن ملک با صیانت و امانت و دیانت باشند
و اگر ملکی بیرون آید بازهد و عدل و انصاف باشد و خلایق آسوده
باشند و اگر مریخ مستولی باشد خبرها و جبار بود و اندر پیدا آمدن
آن شریعت و یا دولت و اگر این قوت کننده آفتاب باشد سیاست
و رسم ملوک و رعیت نیکو بسیار باشد و آن ملت با دولت و
نظام باشد و اگر زهره بود اندر آن ملت و دولت شادیها باشد
و میل مردم بشهوت راندن باشد و اگر عطارد اهل آن ملت یا دولت
دانا باشند و راغب بعلمهای باریک چون فلاسفه و هندسه و نجوم و طب
چون زرگری و نقاشی و اگر ماه باشد قوت دهنده برج طالع مردمان بنقلیات
مشغول باشند و حقیقت بجویند و اختلاف در میان ایشان بسیار
باشد و حال ایشان بر یک سیرت و ثبات نماند و دانش طبع

ستارگان با یکدیگر از مقابله و تربیع و تثلیث و تسدیس و مر ستاره
که … باشد وقت قران نعل وی بنگرند باشد و باقی دلیلها و همچنین
بقوت و ضعف ستارگان حکم باید کرد والله اعلم الحمل
قران مشتری و زحل اندر حمل دلیل کند بر بدی حال سفلگان
و دونان و نیکویی حال امیران و محتشمان و پدید آمدن مدعیان
اندر شریعت در ناحیت مشرق و بیرون دولتها نو و فراخی
نعمت اندر حد مشرق و کنارگی هوا و بارانها با منفعت
و ایمنی و عدل و انصاف و ناچیز گشتن جور و ستم و آبادانی
خانها و نیکویی و زیادت صومعها و خانهای عبادت و نیکویی حال
اشراف قران مریخ و زحل در حمل دلالت کند بر فتنهای
بزرگ اندر ناحیت مشرق و گرد آمدن لشکرها و حرب و قتال
شدن سفلگان و نیکویی حال سرهنگان و سپاه سالاران
و اصحاب سلاح و ساختن آلات حرب و رونق بازارهای
سلاح و سیاه و تاریک شدن هوا و آمدن ژاله و رعد
و برق و افتادن آتش در خانها و محلها و گوسفندان و عزت
ایشان و کم شدن رامها والله اعلم قران آفتاب و
زحل در حمل با دلیل جور کردن ملوک بر دهاقین و خداوندان

ضیاع و پدید آمدن خلافها در میان ایشان و مهتران و غالب
گشتن علتهای صعب بر اجسام اشراف قران زهره
و زحل در حمل با دلیل کند که بارانها بسیار بارد و تاریک گشتن
هوا و خشک شدن عالم و منازعت افتادن در میان مردان
و زنان و بیرون بیحالی ایشان و مخاطره و تباه گشتن حال
خداوندان حرب و کتابه و درزیها و جامهای مرتفع
قران عطارد و زحل در حمل دلالت کند بر تباه گشتن حال اهل
قلم و خداوندان دانش و پدید آمدن عسرت و درویشی
اندر کار ایشان و زیان صناعان و تجار و مسافران و عداوت
افتادن اندر میان مردمان بجهت تجارتها و بسیار شدن
حیلتها قران ماه و زحل در حمل دلالت کند بر بسیاری
ابرها و بیشتر آن باشد که ابر بی منفعت باشد و تباهی
حال مردمان عابد و ظاهر شدن عسرت دل و درویشی
اندر میان ایشان و غم و اندوه و مرگ مفاجا و بیماری اطفال
و مخاطره زنان حامله و افتادن اخبار دروغ و دل مشغولیها
قران مریخ و مشتری در حمل دلالت کند بر کنارگی هوا
و میل سوا بگرمی و افتادن خلاف و منازعتها اندر میان اشراف

وخداوندان سلاح وسخن گفتن شریعتها ومذهبها ودیانات واین
سبب افتادن حرب اندر میان مردمان ومخاطره وزرا و
اشراف وقوت گرفتن خداوندان سلاح وعزیز گشتن
الات حرب خصوصا درحد مشرق قران زهره ومشتری
درحمل دلالت کند بر نیکویی حال زنان وبسیاری نکاحها و
آمدن فرزندان وصلاح کار زنان وراستی وامانت مردمان
وعزیز گشتن زینتها وجامها وکشادگی هوا قران عطارد ومشتری
درحمل دلالت کند بر پدید آمدن علم توحید وپیدا گشتن
حقیقت وعزیز گشتن صنعتها وسود یافتن مردمان از
تجارتها وپدید آمدن خرد وعقل وتمیز درمیان مردمان و
طلاب کارها حق وعزیز گشتن کتاب والت وادوات و
کشادگی هوا وآمدن بادصبا والله اعلم قران ماه ومشتری در
حمل دلالت کند بر کشادگی هوا ونیکویی حال مردمان وفراخی
نعمت وآمدن خبرهای راست وامانت وصیانت درمیان مردمان
وایمنی راهها قران زهره ومریخ درحمل دلالت کند بر بسیاری
ابر وبارانها بسیار وزیادتی گوسفندان وبسیاری گیاه ومبارکی
سال وپدید آمدن فجور اندر زنان وبسیار شدن اهل فساد

و زنان بلایه

و زنان بلایه ومنازعت درمیان خداوندان لهو وطرب واهل
اقالیم بغبسار مایل شوند قران عطارد ومریخ درحمل دلالت کند
برفوت اهل سلاح وخلاف ومنازعت میان مردمان و
پیدا شدن دروغ وپرهیز کردن از حقیقت وراستی و
خیانت کردن ودروغ گفتن صناعان وتاریک شدن هوا
وآمدن رعد وبرق وغلبه دزدان وناایمنی راهها وشکسته
شدن کاروانها وظهور فتنه وآشوب درحدود مشرق خاصه
میان اهل سلاح ودبیران وتجار وعوام الناس قران ماه
ومریخ درحمل دلالت کند بر گرمی هوا وفتنه وتشویش اندر
میان مردمان عوام قران زهره وعطارد درحمل دلالت
کند بر نیکویی حال دبیران وصناعان وتجار ورغبت کردن
مردمان بلهو وطرب وتغییر هوا ورعد وبرق وباران وخشکی
هوا قران ماه وزهره درحمل دلالت کند بر خشکی هوا ولیکن
ابرهای نم باشد ونیکویی حال مردمان عامه اندر ناحیت
مشرق قران ماه وعطارد درحمل دلالت کند بر بسیاری
مکاتبت ورفتن پیکان وجاسوسان وطلب کردن اخبار
ملوک وتجسس احوالها **الثور** قران مشتری وزحل در ثور

دلالت کند بر زیادتی مال وجاه ضیاع ودهاقین وبرزیگران
وچهارپایان وصنعتها ورغبت مردمان در کشاورزی وآبادان
کردن خانها ونیکویی حال نباتات وصلاح حال مردمان وایمنی
وفراخی نعمت وموافقت میان مردمان درناحیت جنوب
قران مریخ وزحل درثور دلالت کند بر تباه گشتن
اهل صلاح وبرخاستن فتنه وتشویش وبدی احوال
سرهنگان وسپاه سالاران وکاسد شدن آلت حرب
وآمدن رعد وبرق وتاریکی هوا ونهایت شدن سرما وتباه
شدن غلها وپدید آمدن فسادها اندر نباتات وپدید آمدن
کرم وملخ اندر غلها ومرگ دواب قران زهره وزحل درثور
دلالت کند بر بسیاری ابرها وبارانها ونیکویی حال نبات
ودلاب وزیادتی گاو وگوسفند وبیماری زنان وپیدا نبودن
حال خداوندان طرب قران عطارد وزحل درثور دلالت
کند بر عداوت وخصومت اندر میان عوام ودشواری کار تجار
وگرد وغبار وتاریک شدن هوا وابر سیاه ورعد وبرق وسرمای
بسیار قران ماه وزحل درثور دلالت کند بر ابر وباران ونیکویی
حال نبات وفرا رسیدن غلها وبرکت گاو وگوسفند

قران

قران مریخ ومشتری درثور دلالت کند بر فتنه وتشویش
پدید آمدن اندر میان اشراف وظفر یافتن بر خداوندان
سلاح وخشکی هوا وزیادت شدن گاو قران زهره ومشتری
درثور دلالت کند بر زیادت شدن صلاح مردمان وراستی
وصیانت وامانت وبسیاری عقد ونکاح وبارداری زنان
وآمدن فرزندان وشادی مردمان ورغبت کردن بپاکیزگی
وساختن جامهای نیکو قران عطارد ومشتری درثور
دلالت کند بر پدید آمدن راستی بازرگانان ونیکویی وایمنی و
خوبی حال صناعان وکتابت اهل کتاب وقلم قران ماه ومشتری در ثور
دلالت کند بر نیکویی حال مردمان وفراخی نعمت وزیادت
شدن گاو وگوسفند وافتادن اخبار خوش وسعادت دهاقین
قران مریخ وزهره درثور دلالت کند بر شادی ونیکویی
حال خداوندان طرب ومغنیان ورغبت کردن مردمان
بفجور وزنا وپدید آمدن بیماریها از گرمی وخشکی وآفت زنان و
کودکان وبسیاری بارانها ومیغ وتیره گشتن هوا قران عطارد
ومریخ درثور دلالت کند بر آشکارا شدن دروغ وزیانهای
بازرگانان ودل مشغول خداوندان ضیاع قران ماه ومریخ در ثور

دلالت کند بر افزون خبرها دروغ و منازعت رعیت و بیرون
آمدن عامه بر خداوندان سلاح و بیماری گاو و گوسفند
و خشکی هوا و فوت امطار قران زحل و عطارد در ثور
دلالت کند بر نیکویی حال تجار و صناعان و عزیز گشتن نرخها
و روانی بازارها و نیکویی حال پیشه وران قران زهره و مریخ در ثور
دلالت کند بر شادی و نیکویی حال عامه و قوم صاحب خبران
و سعادت صناعان و زیارت شدن و زیادت چارپایان
والله اعلم **الجوزا** قران مشتری و زحل در جوزا دلالت کند
بر پدید آمدن نبوت و شرایع و نکاح کردن اندر کتاب
اخبار پدید آمدن کسانی که در منصب سخن گویند و مقالتهای
نو کنند و آیتها نو نهند و مردمان ایشان را سخن مختار دانند و غلبه
طبقه را باشد که منسوب باشند بدان ستاره که در وقت
این قران مستولی باشد قران مریخ و زحل در جوزا
دلالت کند بر تباه شدن حال هوا و بادهای صعب و تاریک
شدن و برخاستن فتنه و تشویش اندر میان مردم و
عداوت کردنها و خلاف و تعصب و ریختن خونها و پدید
آمدن بیماریها و بدی حال اهل مصر قران زهره و زحل در جوزا

دلالت کند بر بارانهای مختلف و باریکی هوا و ژاله و رعد و برق و منازعت
میان زنان و مردان و مخاطره زنان حامله و ستاکی کردنا
قران عطارد و زحل در جوزا دلالت کند بر بادهای مخالف
و باریکی هوا و رعد و برق و بیماری و مرگ مفاجا و خصومت و
عداوت اندر میان منجمان و ساختن کیمیاها و افسونها
و سحر و مکر و حیلت مردمان و ستکاری زهاد و دل مشغول
اهل علم قران مریخ و زحل در جوزا دلالت کند بر بادهای مختلف
و تیره گشتن هوا و بارانهای بی منفعت و میانه بودن حال
عامه و بیماریهای کودکان اندر شهرهای منسوب بجوزا باشد
قران مریخ و مشتری در جوزا دلالت کند بر تشویش و
فتنه اندر میان مردمان و منازعت اندر میان اشراف
و خداوندان علم و خراب گشتن خانها و عمارت و بیماریهای
مردم از حصبه و آبله و تب و برسام قران عطارد و مشتری
در جوزا دلالت کند بر آموختن بر علمهای شگفت و نیکویی
حال فقها و پیدا شدن حق و ناچیز شدن باطل و
منفعت کار تجار و قوت کار عطاریان و لعل قلم قران
زهره و مشتری در جوزا دلالت کند بر رسوایی زنان و نکاح

کردن بسیار و نیکویی حال کسانی که منسوب بجوزا باشند و فراخ
طعامها و اسعار اندر قران ماه و مشتری در جوزا دلالت کند
بر نیکویی حال مردمان عامه و فراخی نعمت و افزون خبرهای راست
و سعادت کارها قران زهره و مریخ در جوزا دلالت کند بر
رعد و برق و باران و خصومت اندر میان اهل حرب و
منازعت میان [illegible]ان و اتابکان و دل مشغول شدن
بزرگان و فخر و آشکارا شدن بدیها قران عطارد و مریخ در جوزا
دلالت کند بر بادهای مخالف و تشویش اندر میان مردمان
و تباه شدن بازارها و ناایمنی راهها و زیان افتادن در مال تجار و
بیماری جوانان از آبله و حصبه و طاعون و مانند این قران
زحل و مریخ در جوزا دلالت کند بر افزون خبرهای دروغ و پدید
آمدن فتنه اندر میان مردم و بدی حال عامه قران عطارد و
زهره در جوزا دلالت کند بر نیکویی حال تجار و استقامت
کار صناعان و راستی و امانت اندر میان و سعادت اهل
علم و صحابت ازواج با شوهران قران ماه و آفتاب در جوزا
دلالت کند بر نیکویی احوال مردم و رغبت کردن بنکاح و تولد
کردن فرزندان اندر ارحام و روان شدن حاجتها از زنان
و اهل

و اهل شال قران ماه و عطارد در جوزا دلالت کند بر خواندن کتب
و اخبار معاف و فرستادن رسولان و رسیدن مکاتبات و نامهای
مخالف و زیدن از سوی جنوب والله اعلم **السرطان**
قران مشتری و زحل در سرطان دلالت کند بر نیکویی حال اشراف
و سعادت حال قضاة و ائمه و تباهی کار دیوان و سلطان و
وزیران و تباهی کار رحلیان و سعادت کسانی که بسرطان منسوب
باشند قران مریخ و زحل در سرطان دلالت کند بر پدید آمدن
فتنهای عظیم و حرب افتادن و قتال و کوچ اندر لشکرها و [illegible]
و کم شدن از خداوندان سلاح و فروختن حمل سرهنگان و سپاه
سالاران و پدید آمدن خروجهای بسیار و سرمای صعب و ژاله
و بارانهای هولناک و رعد و برق و بلاهای گوناگون و فوت
لعل قسار و ستم و جور سلطان القران بوسط السما باشد
مرگ ملکی بزرگ باشد اگر قران تحت الارض باشد خراب شدن
شهرها و جنبش زمین باشد و اگر قران بناحیت مغرب
باشد خصومتها باشد میان ازواج و شرکا و اگر بتهم و سیم باشد
بدی حال مسافران و خراب شدن خانها و عمارت قران
زهره و زحل دلالت کند بر زیارت شدن ابها در چشمها و باران

وابر و میغ و خشکی هوا و دل مشغولی زنان و ابنا زنان و قران ماه و زحل
دلالت کند بر ابرها و بارانها و زیارت شدن آبها و بسیاری کسانی که به برج سرطان
منسوب باشند و قران مریخ و مشتری دلالت کند بر فتنه و نکبات اشراف
وظفر یافتن اهل شریعت و نبوت و مقهور شدن خوارجیان و اهل
فساد و بدی حال اهل سلاح و قران مشتری و زهره در سرطان دلالت
کند بر نیکویی حال اشراف و سعادت وزرا و خداوندان نصب و
شغلها اندر میان مردمان و رغبت کردن بنکاح و لهو و طرب و ظاهر
شدن صلاح و نیکویی کسانی که منسوب بسرطان باشند و قران عطارد
و مشتری دلالت کند بر میل اهل علم حقیقت و رغبت کردن مردمان
بدانش و زیادت شدن خرد و عقل و روانی کارها و منفعت اهل
خراسان و قران ماه و مشتری دلالت کند بر نیکویی حال عامه و فراخ
نعمت و موافقت میان مردم و قران زحل و مریخ دلالت کند بر
دروغ گفتن مردمان و فسق و فجور و بی شرمی و بی حیایی و ظهور
فساد و آمدن باران و پدید آمدن میغ و تاریکی هوا و قران عطارد و مریخ
دلالت کند بر دروغ گفتن مردمان و افتادن اخبار اراجیف و تباه
شدن راهها و قوت دزدان و زیان مردمان و قران ماه و مریخ دلالت
کند بر بدی حال عامه و شورش و غوغا و بیرون آمدن بر اصحاب سلاح

و دل مشغولی کسانی که منسوب باشند بسرطان و قران عطارد
و زهره دلالت کند بر نیکویی حال دبیران و خداوندان علم و
منفعت و بازرگانان و روانی پیشه‌ها و خریدن ضیعتها و
جامها و مرتفع و قران ماه و زهره دلالت کند بر نیکویی حال مردمان
عامه و رغبت کردن مردم بطرب و لهو و نیکویی حال چاکران
و صاحب خبران و رسولان الاسد و قران مشتری و
زحل دلالت کند بر پدید آمدن پادشاهی بزرگ اندر ناحیت
مشرق خاصه در اقلیم رابع پارسی نیکو اندر مملکت و پادشاهی
و اشتغال ملک و زیادت گشتن نخجیران و وحوش و داشتن
مردمان ایشان را و قران مریخ و زحل در اسد دلالت کند
بر فتنه و شورش افتادن اندر ناحیت مشرق و حد اقلیم
رابع و گرد آمدن سپاهها و غلبه ترکان و قوت کار ایشان و
ظفر یافتن بر عدو و قران زهره و زحل دلالت کند بر
خصومت میان زنان و مردان و کسانی که زلیف دل
مشغولی اهل حرب از قبل سلطان و قران عطارد و زحل
دلالت کند بر دشواری عیش تجار و بدی حال صناعان و دل
مشغولی اهل اقالیم و قران ماه و زحل دلالت کند بر بدی حال

عامه و تنگی کارها و دل مشغولی مسافران و منازعت میان مردمان
و بندیان و قران مریخ و مشتری دلالت کند بر افتادن حرب اندر ناحیت
ترکستان و ظفر یافتن ترکان بر اهل این اقالیم و قران زهره و
مشتری دلالت کند بر نیکویی حال بندگان و خادمان و قران
عطارد و مشتری دلالت کند بر نیکویی حال عامه و تجارت خداوندان
فضل و عزیز داشتن ایشان و قران ماه و مشتری دلالت
کند بر نیکویی حال عامه و سعادت کسانی که منسوب
باشند و قران زهره و مریخ در اسد دلالت کند بر منازعت
زنان ملوک و ظاهر شدن فساد و زنا در ترکستان و قران عطارد
و مریخ دلالت کند بر شورش و فتنه و منازعت اندر میان
دبیران و خداوندان سلاح و ظفر یافتن بر اهل فضل و دل
مشغول صناعان و اهل علم و قران ماه و مریخ دلالت کند بر خبرها
بسیار افتادن از جانب سلطانیان و غلبه جاسوسان و صاحب
خبران و فرستادن پیکان بشهرها و قران عطارد و زهره دلالت
بر نیکویی حال دبیران و منفعت بازرگانان و ساختن زینتها و خبرهای
خوش و قران ماه و عطارد در اسد دلالت کند بر آمدن اخبار
خوش از جانب ملوک و فرستادن نامها و پیکان و نیکویی حال

خادمان

در سنبله

خادمان ملوک السنبله و قران مشتری و زحل دلالت
کند بر پدید آمدن کسانی که در علم نبوت و شریعت سخن گویند و مذهب
و مقالتها نو ظاهر کرده و غلبه و قوت کسانی باشد که بدان مشغول
منسوب باشند که در وقت قران خطوط مشتری باشد و قران
مریخ و زحل دلالت کند بر رعد و برق و ژاله و فساد غله و
نبات و تاریک شدن هوا و فتنه و شورش افتادن در جانب
جنوب و بدی حال کسانی که به سنبله موسوم باشند و قران
عطارد و زحل دلالت کند بر پدید آمدن خبرهای شگفت
و قوت کوفتن طلسمات و نیرنجات و اعمال آن و قران ماه و زحل
دلالت کند بر بدی حال عامه و مخاطره سکان و جاسوسیان
و قران مریخ و مشتری دلالت کند بر بدی حال اشراف و خداوندان
و بدی کار دبیران و دل مشغول صناعان و منازعت اهل سلاح
و صعب کار قضاء و ایمه و قران زهره و مشتری دلالت کند
بر نیکویی حال اشراف و سعادت کسانی که به برج سنبله منسوب
باشند و قران زهره و زحل دلالت کند بر بدی حال زنان و
نکبت و دل مشغول اهل طب و قران ماه و عطارد دلالت کند
بر پدید آمدن خبرهای عجایب و قوت کوفتن طلمسات و نیرنجات

قران عطارد و زهره دلالت کند بر تغییر هوا و نیکی حال اصحاب قلم و تجار
و پیشه وران قران عطارد و مشتری دلالت کند بر نیکوئی حال خداوندان
علم و ظاهر شدن علم حکمت و علمهاء دقیق و آموختن علمهاء اوایل
و روائی بازارها قران ماه و مشتری دلالت کند بر نیکوئی حال عامه و
و فراخی نعمت و سعادت اهل قلم و کتاب و وزیران قران زهره
و مریخ دلالت کند بر بد شدن حال زنان و خداوندان لهو و
شادی و رسوا شدن بکارهاء زشت و خصومت افتادن میان
مردان و زنان قران ماه و مریخ دلالت کند بر افتادن خبرهاء
دروغ و بلای حال عامه و دل مشغولی مردمان قران عطارد و مریخ
دلالت کند بر ساختن آلتهاء حرب و منازعت میان اهل سلاح
و دبیران قران ماه و زهره دلالت کند بر سلامتی مسافران و ایمنی
راهها و سلامتی تجار و افتادن خبرهاء راست و سعادت اهل
قلم و کشاورزان و دهاقین و اهل طرب **المیزان**
قران مشتری و زحل در میزان دلالت کند بر نیکوئی حال دهاقین
و اشغال ملک و دولت و ملتهاء نو و سیرتهاء خلق چنانکه گفته آمد
قران مریخ و زحل دلالت کند بر فساد هواها و ریگ و ژاله و رعد
و برق و زیادت شدن سرما و پدید آمدن تشویش و فتنه در
در ناحیت

در ناحیت مغرب قران زهره و زحل دلالت کند بر زوال کار
مردمان دون و سفله و توانگر گشتن ایشان قران عطارد
و زحل دلالت کند بر رعد و برق و بارهاء مختلف و فساد هوا
و سرما قران ماه و زحل در میزان دلالت کند بر ابرها و تغیر
هوا و آمدن بارانها و دل مشغولی عوام الناس قران مریخ
و مشتری دلالت کند بر قوت اشراف و بنیادی نو کارها و ظفر
یافتن بر اصحاب سلاح و سعادت احوال ائمه و خداوندان علم
قران زهره و مشتری دلالت کند بر نیکوئی حال اشراف و بنیادها
نو کارها و شادیهاء زنان بر مردان و سعادت کسانی که برج میزان
منسوب باشند قران عطارد و مشتری دلالت کند بر فرستادن ن
رسولان و نامهها و خداوندان کتابها و سود بر تجارت قران قمر و مشتری
دلالت کند بر نیکوئی حال وکیلان و قاضیان و راستی اندر خرید
و فروختن میان مردم قران زهره و مریخ دلالت کند بر مکر
زنان با مردان و خیانت و فساد و فجور پیدا شدن قران عطارد
و مریخ دلالت کند بر شکستن کاروانها و زیان بازرگانان و وقوع
دزدان قران ماه و مریخ دلالت کند بر بدی حال عامه و مخاطرهء
مسافران و بیکاران و دل مشغولی قران ماه و زهره دلالت کند بر

القوس قران مشتری و زحل در قوس دلالت کند بر
پدید آمدن معجزها و نبوت و کسانی که دعوی پیغامبری کنند
و اندر علم توحید سخن گویند و آن اغلب تعصب و باطل باشد
و اندران دور علم خواستن را طالب باشند و رونق آن علم باشد
قران مریخ و زحل دلالت کند بر افتادن حرب میان مردم از
بهر شریعت و مذاهب و مقالتها و گوناگون و تغییر سیرتها
و تیره شدن هوا و سرماء سخت و برف والله اعلم قران
زهره و زحل دلالت کند بر سرما و برف و آمدن بارانهاء با
منفعت و مکر زنان و دل مشغولی اهل شام قران عطارد
و زحل دلالت کند بر آمدن بادهاء بسیار و تغیر هوا و زیادت
شدن سرما قران ماه و زحل دلالت کند بر تاریک شدن
و ابر و نم و دل مشغولی مسافران و بیکاران قران مریخ
و مشتری دلالت کند بر کشتن فتنها و مقالتهاء مخالف و منازعت
مردمان در مذهب و آشوب بدین سبب قران زهره و مشتری
دلالت کند بر قوت گرفتن کار اشراف و مشهور گشتن دونان
و شادی پیدا آمدن در میان مردم و رغبت کردن بتزویج و بولد
ولادت اندر ارحام و میل مردم با پاکیزگی و پیراستن زینتها

و خریدن جامها قران عطارد و مشتری در قوس دلالت کند بر
قوت گرفتن اهل علم و پدید آمدن علم حکمت و سخن گفتن
اندر علم توحید و رغبت بتعلم علم اوایل قران ماه و مشتری دلالت
کند بر نیکوئی حال عامه و نگاه کردن مردمان اندر اخبار پیغمبران
قران زهره و مریخ دلالت کند بر سرما و برف و باران و منازعت
اندر میان زنان و مردان و دل تنگی اهل طرب قران عطارد و
مریخ دلالت کند بر خلاف و منازعت میان خداوندان علم و
معتدل شدن هوا قران ماه و مریخ دلالت کند بر افتادن
اخبار اراجیف و خبرها که مردمان دل مشغول باشند و میل
مردم بدروغ گفتن کنند قران عطارد و زهره دلالت کند بر نشاندن
نهال و نامهاء اشراف بیکدیگر والله اعلم بالصواب **الجدی**
قران مشتری و زحل در جدی دلالت کند کشتن چاهها و عالم و بر
آمدن مردمان مجهول النسب و مشهور خداوندان نسب و
رغبت کردن مردم ببناهاء بلند و زیارت شدن گوسفند
قران مریخ و زحل دلالت کند بر اعتدال هوا و پدید آمدن
خوارج و لیکن ایشان را قوت نباشد و زود هلاک شوند و ملوک
بر ایشان ظفر یابند قران زهره و زحل دلالت کند بر آمدن

برف و باران و پدید آمدن شادی دبیران و غناکی جوانان
قران عطارد و زحل دلالت کند بر بادهای مخالف و آمدن
برف و باران و سرما و ساختن حیلت مردم با یکدیگر و بدی
حال صناعان قران ماه و زحل در جدی دلالت کند بر تغیر هوا
و ابر و باران و برف و سرما قران مریخ و مشتری در
جدی دلالت کند بر اعتدال هوا و منازعت میان اشراف
و مشهور شدن خداوندان حق و اهل توحید و حسن بازی
بد مردمان بدنشان قران زهره و مشتری دلالت کند بر نیکوی
حال زنان و خادمان و موافقت اهل شادی با پیران
و دهاقین و اعتدال هوا قران عطارد و مشتری دلالت کند
بر طرفها. فتن خداوندان کلام بر اهل شریعت و نیکوی کار
دبیران و منفعت از پیران و خداوندان دولت قران ماه
و مشتری دلالت کند بر سلامتی مسافران و رسیدن بمقصود
و نیکوی حال سگان قران زهره و مریخ دلالت کند بر سعادت
و شادی خداوندان سلاح و عزیز گشتن بندگان خصوصا
کنیزکان و پیدا شدن ابر و میغ و آمدن برف و باران
قران عطارد و مریخ دلالت کند بر ساختن النهاء حب

و اخبار اراجیف و اعتدال هوا قران ط . و مریخ دلالت کند بر ... ش
و اندوه مردم و رغبت و خداوندان سلاح قران عطارد و زهره
دلالت کند بر نیکوی حال بازرگانان و پدید آمدن میغ و باران و اعتدال
هوا و خشکی و امینی مردمان با یکدیگر و عشرت و شادی کردن
قران ماه و زهره دلالت کند بر تاریک شدن هوا و پدید آمدن
ابر و باران ماه و عطارد دلالت کند بر تغیر هوا و سلامتی مسافران
و بازرگانان و هوا اعلم **الدلو** قران مشتری و زحل در دلو دلالت
کند بر نیکوی حال مردمان و قوت یافتن و نیکوی حال مردمان
بیابان و زیارت شدن ابها اندر چشمها و چاهها و میل مردم بر
ابادانی کردن و پدید آمدن کارهای العوان و سعادت کسانی
که بدلو منسوب باشند زحل و مریخ دلالت کند بر پدید آمدن
فتنه و تشویش و بیماری اندر میان مردم از خون و حرارت
و بلد و مانند آن و تغیر هوا و بارها صعب و دل مشغولیها
زهره و زحل دلالت کند بر سرما و آمدن برف و باران و شادی
پیران و اندوه و درد جوانان و ضعف کار کودکان و زنان و
خادمان قران عطارد و زحل دلالت کند بر منازعت اندر
میان مردم فضل و هنر و آمدن باد و زیارت شدن سرما

مریخ و زحل دلالت کند بر قوت گرفتن کار اشراف و ظفر
یافتن بر دونان و پاکان و سعادت علما زهره و مشتری
دلالت کند بر شادی اندر میان مردم و رغبت کردن بنکاحها
و ساختن زینتها و میل پاکیزگی کردن عطارد و مشتری دلالت
کند بر قوت اهل علم و منفعت بازرگانان و سعادت کسانی
که بدلو منسوب باشند ماه و مشتری دلالت کند بر سلامتی عوام
الناس و نیکوی عیش و ثابت شدن اجرها روزگار بر
یکسیرت زهره و مریخ دلالت کند بر تغیر هوا و زیاد شدن
سرما و آمدن نم عطارد و مریخ دلالت کند بر پدید آمدن خلاف
میان مردم و زنان در بازارها ماه و مریخ دلالت کند بر بیماری
کودکان و آبها و خصومت میان مردم عطارد و زهره دلالت
کند بر نیکوی حال بازرگانان و نیکوی کار اهل قلم ماه و زهره دلالت
کند بر شادی عوام الناس و موافقت میان زنان و خادمان
و کودکان ماه و عطارد دلالت کند بر بادهای مختلف و تغیر هوا و
نیکوی کار صناعان **الحوت** قران مشتری و زحل
در حوت دلالت کند بر قوت اشراف و خداوندان حق و
مشهور شدن دونان و اهل فساد و تغیر سبزیها مریخ و زحل

دلالت کند بر مرگ جانوران آبی و شوریدن دریا و غرق گشتن باد و
زیادت گشتن ابها و آمدن برفها و بارانها و عروض آمدن حاجتها
و دل مشغول مردم زهره و زحل دلالت کند بر تغیر هوا
و آمدن باران و دل مشغولی اهل طرب و پیران عطارد و
زحل دلالت کند بر آمدن نم و برف و تغیر هوا و دل مشغولی
مردم مریخ و مشتری دلالت کند بر اعتدال هوا و مناظره
میان اشراف و خلاف میان مردم زهره و مشتری
دلالت کند بر قوت گرفتن اشراف و شادی در میان مردم ماه
و فراخی نعمت و نرخ گرفتن جامها و زینتها عطارد و مشتری
دلالت کند بر قوت خداوندان علم و سعادت اهل قلم و
صناعان و نیکوی حال بازرگانان و تغیر هوا و آمدن برف
و باران ماه و مشتری دلالت کند بر نیکوی حال عامه و سلامتی
مسافران و زیادتی ابها و جانوران آبی و عشرت و شادی
و امانت و راستی در میان مردم عطارد و زهره دلالت
کند بر نیکوی حال زنان و خادمان و موافقت زنان با مردان
و تغیر هوا و زیادت شدن سرما و ابهای چشمها زهره
و مریخ دلالت کند بر تغیر هوا و خشکی و ابر و باران و زیادت

تغییر هوا و ابر و باران و باد و برف
ماه و زحل دلالت ...

بشنیدن ایشان عطارد و مریخ دلالت کند بر خبث و آشوب
و شوریدن دریاها و آمدن برف و باران و بدی حال دبیران
و زیان مال بازرگانان و اعتدال هوا و بدی حال صناعان و خداوندان
فضل و خصومت در میان ایشان ماه و زهره دلالت کند بر
نیکوی حال عامه و زیادت شدن معاش و بسیاری
نکاحها و رغبت مردم بشادی و تغیر هوا ماه و عطارد دلالت
بر سلامت مسافران و فروبستگی کار عامه و تجارت مسافران والعلم
عند الله فصل این تاثیرات که قرانات یاد کرده آمد اگر در برج
مشرقی بود این حالتها بیشتر در مشرق و آن نواحی بود و
اگر در برج مغربی بود این حالتها در ناحیت مغرب بود و اندر
ناحیت شمال و جنوب هم برین قیاس و دیگر نگاه باید کرد
تا آن برج که اندر وی این قران باشد کدام شهر منسوب
باشد این حالت بیشتر در آن شهرها باشد فصل در احکام
قرانات کواکب و مقابله و تربیع و تسدیس و تثلیث قران
مشتری و زحل دلیل کند بر پیدا آمدن کارهای بزرگ و ملوک
دیرینه را بر کند و ملوک نو بنشاند تربیع مشتری و زحل
دلیل کند بر پیدا آمدن خوارج و بدعتها و کارهای گران با خوف

مقابله

مقابله مشتری و زحل دلالت کند بر جور سلطان و ستم حاکمان
و دزدیها و بلا و خصومت تثلیث و تسدیس مشتری و زحل
دلالت کند بر پیدا آمدن غزاها و جهادها و قوت اهل صلاح
و ارزانی نرخها و روانی بازارها قران مریخ و زحل دلالت
کند بر بلاها و فتنها و بیماریها و قوت دزدان و اهل فساد و جور
و ستم سلطان و جنبش لشکرها و مرگ بهاکر اگر قران
بوسط السما باشد مرگ ملکی باشد بزرگ و اگر قران
بتحت الارض باشد خرابی شهرها و جنبش زمین
باشد و اگر قران بهفتم باشد بیرون آمدن خوارج باشد
و اگر بنهم و سیم باشد مسافران بد باشد و جایگاههای
عبادت و مساجد را ویران کند والله اعلم قران آفتاب
و زحل دلالت کند بر مرگ امرا دیرینه و قوت سلطان
و فراخی نعمت قران زهره و زحل دلالت کند بر تهمتها و بلاها
و دلیل کند بر بدی حال زنان با شوهران و زنان حامله را مخاطره
باشد و زحل عصا بری از دست بیفکند و قوت جوان
بدو اندر آید و از خود جلدی و جابکی نماید تا زهرمان وسواعلم
بگذرد و زهره معین کعبه من بیرکوام اگر اتصال وصدقه دادن

تثلیث باشد باز حال نیکو باشد اگر از مقابله یا از تربیع بود جنگ
افتد میان زنان و شوهران قران عطارد و زحل دلالت کند بر خبر کار
دروغ افکندن و جادویی کردن و موختن و افعال بد و افسونها
و علمهای نهانی و نیرنجات و مکر و حیلت و در زمستان باد و سرما و
گرانی کارها و تنگی و کساد پیشها و صنعتها والله اعلم راس
و زحل دلالت کند بر نحوست زحل کم کند و فراخی باشد و
ملکی از جای بکند و دیگری بنشاند قران زحل و ذنب
دلالت کند که نحس زحل بیفزاید و قوت و جنبش کافران
و بی دینان و قوت فرومایگان و ناکسان بود قران مشتری و ماه دلالت
کند که علما و دانایان را نکبت باشد و خانهای عمارت ویران
شود و کوشکها خراب گردد قران آفتاب و مشتری دلالت
کند بر بیماری حاکما و ناروانی کار ایشان قران زهره و مشتری
دلالت کند بر پارسایی زنان و نیکی حال ایشان و سعادتها
اندر میان مردم و پاکیزگی زنان و توبه و نماز و راه راست
و فراخی طعام قران عطارد و مشتری دلالت کند بر آموختن
دیرینه تر لغت و حکمت و دین و راه راست و قوت فقها و اهل
متهد دلیل کند بر به تثلیث و تسدیس همچنین باشد اما نظر اگر

تربیع و مقابله باشد دلیل کند بر منازعت از جهت دین و قران ماه
و مشتری دلالت کند بر قوت حال دانشمندان و ارباب
دانش و نیکوی حال همه طایفه مردم قران آفتاب و مریخ
دلالت کند بر ضعیفی حال ترکان و دزدان و عیاران و غلبه خشم و
خشکی و گرمی و دیوانگی قران مریخ و زهره دلالت کند بی شرمی
زنان و فجور و رسوایی کارهای بد و آشکارا گشتن بدی قران
عطارد و مریخ دلالت کند بر خونها و جنگها و در دریاها و پدید آمدن فساد
از مردم و تنگی جامها ماه و مریخ دلالت کند بر ترس و بیم و دزدی
و قوت اهل فساد و بدی حال اهل صلاح و قطع کاروانها آفتاب
و زهره دلالت کند بر بیماری زنان و جنگ میان زنان و شوهران
و آسایش ارباب طرب آفتاب و عطارد دلالت کند که با
عطارد خویشتن را پیدا بد و تاج بر سر نهد و مشکور و فخر کند
و مردمان را زیان کند قران زهره و عطارد دلالت کند که عطارد را
مشکر شود و بخندد و طرب کند و عشق آورد دلالت کند بر
نیرنجات زنان و افسونها و دزدی کردن زنان و اگر نظر تثلیث
و تسدیس دوستی پدید کند و فرستادن نامه و نعام زنان والله اعلم
مشتری و راس دلالت کند سعادتهای حاکما و بزرگان و صدقه دادن

و کارهاء خیر کردن مشتری و ذنب دلالت کند بر بنای جاها
عبادت و کاهلی مردمان بکارهاء خیر و ضعیف اهل علم و صلاح
و ناروا شدن کارهای اهل خیر مریخ و راس دلالت کند بر
ضعیف اهل افساد و گرفتار شدن دزدان و عیاران و قوت
مسلمانان بر کفار مریخ و ذنب دلالت کند بر جنبش کافران
و بی دینان و بی شرمی دزدان و بدکاران و قوت اهل فساد
آفتاب و راس دلالت کند بر قوت کار ملوک و سلاطین
و نیکویی حال ایشان و فراخی طعام و روائی کارها و بازارها
آفتاب و ذنب دلالت کند بر فساد ملوک و بدحالی حال بزرگان از
دست بزرگان و ناکسان و فرومایگان زهره و راس دلالت
کند بر نیکویی حال زنان و تن درستی ایشان و مطیع بودن مر
شوهران را و پاکیزه و مستوره بودن زهره و ذنب دلالت
کند بر دیوانگی و ابلهی و بی شرمی زنان و جنگ کردن با شوهران
و دزدی کردن و مشغله زنان و بیماری و بدی حال ایشان
عطارد و راس دلالت کند بر کیمیا ساختن و قوت منجمان و
بخشکان و درزیان و صناعا و پیشه کاران و رونق کار
اهل دیوان و روائی کارهاء ایشان و دلیل کند بر بر ساختن

بر نجات قران ماه و راس دلالت کند بر قوت کار بزرگان و زیادت
نرخها و پدید آمدن خیر بهانهائی و دزدیدن و کم شدن ماه و ذنب
دلالت کند بر آفتها رسیدن مردمان را و بیم و ترس و غیبت
و دزدی و کشتن و افتادن بلاها عطارد و ذنب دلالت کند بر
روائی کار صناعان در یافتن کیمیاها و زیان مردم و بیماری منجمان
و جرم زنان و دبیران قران ماه و زحل دلالت کند بر دل
مشغولی مردمان و بستگی کارها و گرانی نرخها و کارهای زرگل
پدا آمدن قران ماه و مشتری دلالت کند بر سعادت مردمان ن
و نیکوی حال مردم شریف و ملکان را سبکی در کارها پدید آید
قران ماه و مریخ دلالت کند بر خرابی و جنگ و قتل و دزدی و
زلزله و بادهاء سخت و قوت اهل فساد قران ماه و زهره دلالت
کند بر سور و زفاف و لهو و طرب و شادی زنان با شوهران
و حاجتها که از زنان خواهند بر آید قران ماه و عطارد دلالت کند
بر بادهاء مخالف و نیکوی حال دبیران و منجمان و بخشکان و درزیان و
صناعان اگر تثلیث و تسدیس هم چنین باشد و اگر نظر مقابله
و تربیع باشد حذر باید کرد زحل با کید دلالت کند بر آفتها و
رسیدن بزرگان را و دهقانان را و پدید آمدن بیماریها چنین طاعون

و سرسام و گرانی طعام و دیگر نرخها و افتادن چنین آفتها قران
مشتری با کید دلالت کند بر تباهی حال دانشمندان و بزرگان
و هلاک شدن ایشان و تباهی گوسفندان و اسبان و بدی
حال همه چارپایان قران مریخ با کید دلالت کند بر فتنه و جنگ و حرب
و قتل و خون بسیار ریختن و گرانی آلتها سلاح و قوت اهل
فساد و شورش در میان مردم قران شمس با کید دلالت کند
بر بیماری ملوک و خداوندان خواسته و مجبور گشتن دشمنان
بر ایشان و گریختن بندگان از ایشان قران زهره با کید دلالت کند
بر بیماری کودکان و بدی حال منجمان و دبیران و بخشکان و درزیان
و صناعان و بدی حال اهل قلم قران ماه با کید دلالت کند بر کارهای
ناپسندیده و مکر و حیلت و تخلیط مردمان و فساد کردن با مردمان
بی شرم و پدید آمدن کردارهای بد ایشان راس با کید
دلالت کند بر خراب شدن پادشاهی کسی اندر طالع وی کید
باشد و فراخی طعام و قوة اهل صلاح و نیکی حال کار اهل
خیر ذنب با کید دلالت کند بر خروج دشمنان و کافران
و تنگی طعام و بیماری بسیار و هول کسانی که طالع شان آن برج
باشد که کید اندر آن برج باشد یا ذنب هم راس و زحل دلالت کند

زنان و صنعتگران و بدی حال زنان
عطارد با کید دلالت کند بر

ملک را درویش کند اگر با مشتری گرد آید ملک بر ملوک تازه گرداند و
بر ایشان نگاه دارد و اگر با زهره مجتمع شود زنان را شغلی بسیار بود و
بیمار کردن شود و اگر با عطارد مجتمع شود خبرهای نیکو آید
و صناعان را حال نیکو شود اگر با ماه با وی مجتمع شود گنج نهادن و
کارهای نهان کردن را نیک باشد والله اعلم بالصواب احکام اتصالات کواکب
قران مشتری و زحل دلالت کند بر پدید آمدن کارهای بزرگان و
اشراف و حرب در میان اهل سلاح تسدیس زحل و مشتری
دلالت کند بر الفت میان پادشاهان و بزرگان و عطا دادن و
رغبت خلق بطاعت و توبه کردن باشد اهل فساد را و ارزانی
طعامها و پدید آمدن رنجوریهای خاصه چنین تربیع مشتری و زحل
دلالت کند بر آشفتگی کارهای ملوک و خرابی خاندانها اقلیم و بسیار
کشتن حصارها و مقالات بسیار میان مردم مشایخ و علما
و تعصب میان بزرگان و پدید آمدن بدعت و کشته شدن خوارج
تثلیث مشتری و زحل دلالت کند بر پدید آمدن صلاح و آرامش
میان بزرگان و پادشاهان و آسایش رعیت و ممکن که غله
قیمت گیرد و بعضی از اهل شرک مسلمان شوند و طعن اهل
اسلام بر اهل شرک و کم شدن خوارج و فرح یافتن خلق از ستم

کاران و مواعظ علما مقابله شمس و مریخ دلالت کند خروج سلطان
ستم کاران و قاضیان و خصومتها میان بزرگان و گرفتار
شدن بزرگان در دست پادشاهان و دهقانان و آشفتگی ولایتها و بیم
با اضطراب ملک و سپاه و لشکر بجانب مشرق جمع آیند و خرابی
کوه پایها از غارت و تاراج و بیماریها بزرگان و پدید آمدن بدعتها
و گرانی طعام و نایافت و ستم سلطان و کسوف مریخ و زحل
دلالت کند بر فتنها و تشویشها و حرکت لشکرها و خرابی مقامات
عبادت تسدیس مریخ و زحل دلالت کند بر پدید آمدن حق
و اتفاق میان امرا و سپاه سالاران و موافقت میان
ایشان و رحم پادشاهان بر رعیت و ترتیب یافتن کشاورزان
و عمارت کردن حصارها و عهد و میثاق میان بزرگان و
عداوت از میان برخاستن و تغیر هوا تربیع مریخ و زحل
دلالت کند بر خونریزش و بدی حال لشکریان و غلبه دزدان
و عیاران و پدید آمدن خوارج و متحیر بودن پیران و بزرگان
در کارها و رنج مشایخ و کاسدی بازارها و کم شدن ابهاء و
کوه کالمکندن زنان و غلبه دشمنان و بیماری و رنجوری
از کسب سپاه و حصبه و آبله و تب گرم تثلیث مریخ و زحل

دلالت کند بر پیوستن الفتها و امانتها و گرفتار شدن اهل شر
و تشویش اهل سلاح و کم شدن فتنه و سلامتی اهل کوه
پایها و عزت آلت حرب و یافتن شرف و منزلت امرا و سپاه سالاران
از پادشاه و جمع شدن اهل عز بظفر یافتن بر ایشان
مقابله مریخ و زحل دلالت کند بر آشفتگی میان ملوک و بزرگان
و مکر و فریب و حیلها و نعو شدن پادشاهان بدان اقلام که منسوب
بدین دو ستاره باشد و مرگ ملوک و رنج مشایخ و رعایا
از خرابی شدن لشکرها و تعصب میان مردم عوام و جور
و ستم از سلطان و کمی غلها و شدت سرما و خشکی بوقت
خویش و خصومت میان ملوک و گرفتاری مخالفان تسدیس
آفتاب و زحل دلالت کند بر ترتیب یافتن اکابر و اشراف
از ملوک و برخاستن جور و ستم از رعیت و شادی این
طایفه و بعضی حال و ملکها از دست رفته باخداوندان رسد
و رحم و شفقت ملوک بر رعیت و مقامها و ویران روی بآبادانی
آرد و ندامت حال اهل کوه پایها باشد و صلح میان ایشان
تربیع آفتاب و زحل دلالت کند بر خشم گرفتن ملوک بر رعیت
و مشایخ و دهاقین و دل مشغول بزرگان و ساختن آلت حرب

و دلیل علما و بازداشتن و ستم فرمودن ملوک بر مشایخ
و دهاقین و رعایا و کمی دخلها و سرما و گرما در وقت خویش
و افتادن زلزله در بعضی مواضع تثلیث آفتاب و زحل دلالت
کند بر ترتیب مشایخ و دهاقین و رعایا از ملوک و آبادانی
ضیاع و املاکها و شفقت و ترتیب ملوک بر رعایا و صلح افتادن
میان بزرگان و آبادانی حصارها و پدید آمدن رعد و برق
در وقت خویش مقابله شمس و زحل دلالت کند بر خصومت
میان ملوک و بزرگان و کسرت ولایتها و پیدا آمدن دشمنان
و جنگ و فتنه در میان مردمان خاصه در کوه پایها و جور و
ستم و غارت و مخالفت میان مردمان و تشویش حال
بزرگان و فرو بستگی بازارها مقابله زهره و زحل دلیل کند بر بادهاء
مخالف و رنج زنان حامله و ناخوشی میان ازواج و مرگ جوانان
و ناروائی بازارها و ظلم و ستم کاریها و سرما بوقت خود و
زلزله و بیماری گاو و گوسفند تسدیس زهره و زحل دلالت کند
بر خشکی هوا و سرما بوقت خویشتن و بر دلخوشی و موافقت
میان زنان و شوهران و نیکوئی حال تجار و نیکوئی حال اهل
طرب و حریصی مردمان مال خوردن بر عشرت و نکاح

تربیع زهره و زحل دلالت کند بر بیماری میان مردم و ناروائی
بازارها و دل مشغولی رعایا و دهاقین و منازعت میان مردم
بسبب تزویج و آمدن نم و بارانی و تغیر هوا و آفت میوها و
ارتفاعات سرمائی و خصومت میان زنان و شوهران
تثلیث زهره و زحل دلالت کند بر سلامتی مشایخ و گشایش
کارها و روائی بازارها و خوشدلی اهل طرب و آمدن سرما بوقت
خویش تسدیس عطارد و زحل دلالت کند بر آمد
شد رسولان و پیکان و فرستادن هدیها و عطاها و تازگی
عهد و میثاق میان بزرگان و گشایش کار صناعان و مشایخ
و دهاقین و عزیزی ملک و خوبی حال اهل فضل و حکما و کشاورزان
و نیکوئی حال تجار تربیع عطارد و زحل دلالت کند بر پیدا شدن
اسرارها و بی رونق کار صناعان و سرما در وقت خویش
دلالت کند بر یافتن بارها و خوشدلی و الفت میان بزرگان
و ترتیب یافتن و گشادن کارها مردمان و سرما و
گرما بوقت خویش تثلیث عطارد و زحل دلالت کند
بر پدید آمدن تزویرها و رسوائی [illegible] و افسون گران
و [illegible] بوقت خویش و تغیر هوا و ستم

در میان صناعان و خشکی هوا تابستان و باریدن خاک مقابله عطارد
و زحل دلالت کند بر الفت و موافقت میان اهل سلاح و قوت حال
اغنیه و سادات و کرامی در دانش و فرستادن رسولان و گرانی ستور
و برده و عزیزی آلت حرب و رغبت مردم با استعمال اسلام و
و رغبت بخیرات و آسایش خلق جهان و عدل و تربیت امرا
با رعایا والله اعلم تسدیس مریخ و مشتری ملول است بر
دشوارهای منازعت میان اهل سلاح و پدید آمدن خیانتها
و بیرون آمدن بندگان بر خداوندان و خوارج شدن اهل سلاح
و حرکت و نقل عوام الناس از وطنها و پدید آمدن دزدان
و عیاران و بیماری علما و پدید آمدن درد سر و بیماری از جنس
زکام و لغش خونها از هر بدانی زمین که بمریخ منسوب باشد
تربیع مریخ و مشتری دلالت کند بر فقر حال امرا و بزرگان و
الفت اهل قلم زبرکان و تن درستی خلق و دور بودن از اهل
شر و فساد و وقعت اهل عدل و انصاف و نمودن پادشاه بر
رعیت و وقعت اهل سلاح و فراخی طعام تثلیث مریخ و مشتری
دلالت کند بر بیماری و ترسیدن رعیت از ملوک و نگاه داشتن
آلت حرب و منازعت و جبلت زنان به یکدیگر و شورش

و بیم و فتنه خاصه بشهرها که بمشتری تعلق دارد و غلبه دزدان
و جور بر مسلمانان و آشوب در زمین ترکستان و ارزانی
برده و ستور مقابله مریخ و مشتری دلالت کند بر قوت حال اهل
سلاح و تربیت یافتن از حاکمان و قضاة و علما و وزرا و
اشراف از پادشاه و ملوک و آبادانی بناها و خیر تسدیس
آفتاب و مشتری دلالت کند بر مناظره میان دانشمندان و
منازعت میان بزرگان و فتنه انگیختن [illegible] مدعیان بشهرهائی
که بدین کواکب منسوب باشد و سرما و گرما بوقت خویش
تربیع آفتاب و مشتری دلالت بر سلامتی حال قضاة و وزرا و
اشراف و تربیت یافتن از ملوک و عدل سلطان با رعیت
و امان یافتن اهل سلاح و عزیز شدن طعام و شیرینیها
تثلیث آفتاب و مشتری دلالت کند بر ضعف حال علما و وزرا
و اشراف و دل مشغولی اهل صلاح و عزیز بودن دولت
در بلادی که تعلق بمشتری دارد مقابله آفتاب و مشتری دلالت
بر نیکوئی احوال علما و نیکوئی حال مردمان و میل مردم بعیش
و طرب و آسایش و قیمت جامهای ابریشمین و عزیزی پیرایه
زنان و نیکوئی حال بازارها و عزیزی بود و فراخی طعام و بار بسیاری

زنان و توبه کردن اصحاب ملاهی تسدیس زهره و مشتری
دلالت کند بر قمار و آشفتگی حال غایبان و جدا شدن خصومتها
و بدی حال تجار و زحمت دیدن خداوندان ستور و شکستن
نرخها و احوال زنان میانه باشد و عصیان هوا و مخالفت بندگان
خاصه میان وزرا و اهل امانت و روانی جواهر تربیع زهره
و مشتری دلالت کند بر عیش و طرب و شادی در میان
مردم و یافتن امانت و بستن عقد و نکاح و حریص بودن مردم
بر طاعت و نیکوئی حال ملوک و بهتر شدن بیماری و رغبت مردم
بخیرات تثلیث زهره و مشتری دلالت کند بر بدی حال زنان
و رنجوری و ناسازگاری با شوهران و خصومت بمجلس قضاة
و رسوا شدن زنان و آفت دختران و آشکارا شدن کارهای
نهانی و رغبت مردم بزنا و فساد و دروغ و مکر و غم مقابله زهره و مشتری
دلالت کند بر نیکوئی حال اهل قلم و صناعان و رغبت مردم
بطاعات و خیرات و نیکوئی حال ساعات بود و سلامتی حال
حکما و شعرا و منجمان و فراخی نعمت بدان ناحیت که تعلق
بعطارد دارد تسدیس عطارد و مشتری دلالت کند بر تعصب
میان اهل قلم و علما و تجار و عداوت میان این طایفه و

هلاک شدن مفسدان و بی رونقی حال مطربان و پدید آمدن
مکر میان مردم عامه و تباه شدن نکاحها و بدی حال تجار و امور
موقوف کردن اهل فجور را تسدیس عطارد و مریخ دلالت
کند بر قوت حال دزدان و مفسدان و ناایمنی راهها و عزیزی آلت
حرب و برده و ترک و موافقت میان علما و امرا و نیکوئی حال عوام
الناس و اهل قلم و رغبت مردم بخواندن علوم تربیع عطارد
و مریخ دلالت کند بر میانه بودن حال منجمان و اهل شر و پدید
آمدن آلت حرب و رسیدن خبرهای خوش و رغبت مردم
بخریدن سلاح و خشم گرفتن ملوک بر اهل قلم و آفت سرما
در بعضی ولایت بوقت تیرماه و شدن سرمای زمستان مقابله
عطارد و مریخ دلالت کند بر رفتن بادهای گرم بوقت خویش
و رسیدن اخبار اراجیف از جانب مغرب و مشرق و آشوب
و فتنه و گریختن بعضی از خشم از تحکم ظالمان و ضعف حال عامه
و ضرر رنجش بسیار بدان موضع که تعلق بمریخ دارد تسدیس
عطارد و زهره دلالت کند بر خوبی احوال زنان و رغبت مردم
و عده و نکاح و سلامتی احوال اهل و تربیت یافتن از ملوک و
عزت حال کتاب و دبیران و رواج کارها و منفعت تجار و

ومسافران و عزیز شدن عطرها و بوهای خوش والله اعلم بالصواب
باب احکام احتراقات کواکب در بروج اثنا عشر
احتراق زحل در حمل اگر مشتری ناوی باشد پیوسته وی دلالت
کند بر فراخی سال و بیرون آمدن دشمن ملک از ناحیت
خراسان یا از سپاهان و بازار کرمان و اگر مریخ ناوی باشد
دلالت کند بر بیماری بسیار و هلاک مردمان و فتنه مردمان
لشکرها و اگر زهره ناوی باشد پیوسته او آفت دانایان باشد
و اگر ماه ناوی باشد پیوسته او حال عوام الناس سخت بد
باشد و تنگی طعام و بیماری ها بسیار باشد اگر خالی السیر باشد
آفت بر دمها باشد و آفت گوسفندان باشد احتراق زحل
در ثور اگر مشتری ناوی باشد پیوسته او هلاک باشد هر جبری
را مکه دانشمندان و از نقاشان را بد باشد و اگر مریخ ناوی
باشد پیوسته او مرگ چهارپایان باشد و قوت دزدان
و گرمای گرم باشد و اگر زهره ناوی باشد پیوسته او ابر و نم
بسیار باشد و زنان حامله را بد باشد و اگر عطارد ناوی باشد
پیوسته او باد و ابر باشد و هوا خنک باشد و اخبار اراجیف
بسیار افتد اگر ماه ناوی باشد تنگی طعام باشد و بادها و

ابرها باشد و کارها به بد آمدن باشد اگر خالی نهان باشد
دلیل کند بر هلاکت چهارپایان احتراق زحل در جوزا اگر مشتری
ناوی باشد پیوسته مرگ مردی بزرگ باشد از وزرا یا از دانشمندان
و اگر مریخ ناوی باشد پیوسته وی کسی از ملکان کشته شود و فتنه
بسیار باشد و قوت دزدان و بی شرمان باشد و اگر زهره
ناوی باشد پیوسته وی مرگ زنان باشد و جنگ کردن و نا
سازگاری با شوهران و اگر عطارد ناوی باشد تباهی حال منجمان
و دبیران و محتکان و خداوندان حساب باشد و اگر ماه ناوی
باشد یا متصل او فساد افتد اندر میان عوام الناس و تنگی
طعام باشد و بادها و ابر باشد و تمامی میوه ها باشد و اگر خالی السیر
باشد فساد بزرگ افتد خداوندان دانش را بد باشد و
آبها کم باشد و باران نباشد احتراق زحل در سرطان اگر مشتری
ناوی باشد پیوسته وی دلیل کند بر فراخی طعام و نیکویی حال
اهل علم و هلاکت اهل فساد باشد و قوت اهل صلاح و اگر مریخ
ناوی باشد پیوسته وی قوت اهل صلاح باشد و اگر مریخ ناوی
باشد پیوسته وی اندک تشویش باشد و اگر زهره ناوی باشد
دلیل بدی حال زنان باشد و مطربان و خداوندان طرب و اگر

عطارد ناوی باشد پیوسته او بدی حال اهل علم باشد و صناعان
و اهل قلم و دیوان و اگر ماه ناوی باشد پیوسته او بدی حال عوام
الناس باشد و مسافران و صناعان و اگر خالی السیر
باشد نقصان گرنج و نقصان آبها و خشک شدن چشمه ها باشد
احتراق زحل در اسد اگر مشتری ناوی باشد پیوسته او هلاک
ملکان باشد و اگر مریخ ناوی باشد پیوسته او هلاک چهارپایان
و اگر زهره ناوی باشد هلاک خداوندان دانش باشد و اگر ماه ناوی
باشد پیوسته وی ستم و جور سلطان باشد و طعام تنگ
شود احتراق زحل در سنبله اگر مریخ ناوی باشد پیوسته
وی تباهی حال دانشمندان باشد و اگر مریخ ناوی باشد فتنه بسیار
رود و قوت اهل فساد و اگر زهره ناوی باشد پیوسته او
فساد حال زنان باشد و اگر عطارد ناوی باشد پیوسته او
فتنه باشد و اگر ماه ناوی باشد پیوسته او بد حال عوام
و مسافران بود اگر خالی السیر باشد مرگ کودکان و بدی حال
زنان حامله و آفت گندم و جو احتراق زحل در میزان اگر مشتری
ناوی باشد پیوسته او سال مبارک باشد و نرخها فراخ و نیکویی
ال [illegible] ان و دهقانان اگر مریخ ناوی باشد پیوسته او بد حا

ملک و لشکریان و ضعف حال اهل فساد و اگر زهره ناوی باشد پیوسته
او نیکی حال عطاران و بزازان و مطربان و اگر عطارد ناوی باشد
پیوسته او بیماریها بسیار افتد و بادها بسیار رود و بدی حال دبیران
و منجمان و محتکان و اهل علم و نقاشان و محاسبان و مثله
و اگر ماه ناوی باشد پیوسته او عام سلطان را خوار گیرند و اگر خالی
السیر باشد همه چیزها گران باشد و اهل فساد را قوت باشد
اهل صلاح را غم رسد احتراق زحل در عقرب اگر مشتری نا
وی باشد پیوسته او خوارج بیرون آیند و از سبب ایشان
بیماری [illegible] باشد و اگر مریخ ناوی باشد پیوسته او اهل
اهل خراسان را فتنه باشد و جنگ پیدا شود و اهل فساد را قوت
باشد و اگر زهره ناوی باشد پیوسته او بدی حال زنان
و منازعت با شوهران و بیماری ایشان باشد و اگر عطارد ناوی
باشد پیوسته او بدی حال دبیران و اهل دانش و اصحاب
دیوان و اگر ماه ناوی باشد پیوسته او بدی حال عوام الناس
باشد و تنگی طعام و بیماری صعب و باران باشد و اگر خالی السیر
باشد حال بندگان بد شود و آب ها از محیط باشد احتراق
زحل در قوس اگر مشتری ناوی باشد پیوسته او حال

ملوک و اکابر ملوک شود و ظفر یابند بر دشمنان و طعام
فراخ شود و نیکوی حال اهل صلاح و دانشمندان باشد
واگر مریخ باوی پیوسته او حال ملوک میانه باشد واگر زهره
باوی باشد پیوسته او مایه حال زنان و مطربان و اهل
طرب باشد و باطل نگاهها واگر عطارد باوی باشد یا
متصل او حال منجمان و طبیبان و معاملان تباه باشد واگر
ماه باوی باشد یا متصل او حال مسافران بد باشد و
تجار را باشد بیمارها بسیار باشد واگر خالی السیر
بدی حال مسافران و علما باشد والله اعلم احتراق
زحل در حمل اگر مشتری باوی باشد یا متصل او دلیل کند
که طعام تنگ شود و بدی حال علما و دانشمندان و حکام باشد
و ضعیف حال اهل صلاح واگر مریخ باوی یا متصل او دلیل کند
بر فوت لشکرها و حرب و فتنه و سرما سخت و نرخها و عزت
آلت حرب اگر زهره باوی باشد پیوسته او بدی حال دبیران
و باران و برف بسیار افتد و حال زنان بد باشد واگر عطارد
باوی باشد پیوسته او مرگ کودکان باشد واگر ماه باوی
باشد پیوسته او سرما سخت باشد و بادها [illegible]

علما و مفسدان تثلیث عطارد و مشتری دلالت کند بر قوت حال
اهل دیوان و اهل قلم و روانی بازارها و کشایش کارها و روانی
کار بزرگان مقابله عطارد و مشتری دلالت کند بر وحشت
و مقالات علما از جهت او [illegible] و آشکارا شدن رازها [illegible]
خشکی هوا بوقت خویش و تغییر هوا و حرکت بادها و [illegible] زحل
[illegible] و اظهار آن و عداوت میان مردمان تسدیس [illegible] و مریخ
دلالت کند بر قوت حال اهل سلاح و عزیزی آلت حرب و نیکوی
حال و تربیت یافتن از ملوک و غلبه لشکرها در بعضی ولایت
[illegible] یافتن [illegible] ارکان و خدمتکاران و ظفر یافتن
لشکریان بر دشمنان تربیع شمس و مریخ دلالت کند بر [illegible]
حال مردمان [illegible] و گرفتاری خوارج و هلاک نخجیران
دزدان و نقصان مردمان بزرگ و ارباب حکم و گرفتاری
[illegible] تثلیث شمس و مریخ دلالت کند بر قوت حال اهل
سلاح و امرا و بزرگان و تربیت یافتن از ملوک و موافق بودن
ایشان بر امور پادشاهان و مقدار بودن در همه حال و عزیزی
آلت حرب و قوت حال اهل شرف و آرام گرفتن حرب و فتنه
[illegible]

شمس و مریخ دلالت کند بر خشم گرفتن ملوک بر حشم
و امرا و اسپهسالاران و عزل [illegible] از کارها و پدید آمدن
[illegible] اراجیف و مقهور گشتن دزدان و مفسدان و
ضعیف حال اهل سلاح و هلاک خوارج و [illegible]
ملخ و پیدا شدن رعد و برق و زیان تجار و مسافران و ازار
آلت حرب تسدیس زهره و مریخ دلالت کند بر بسیاری
ابر و تاریکی هوا و خوشدلی زنان و آمدن اخبار خوش
و زیادتی مستوران و کشایش کارها و خوشدلی میان
زنان و شوهران و عزیزی گوشت و [illegible] تربیع زهره
و مریخ دلالت کند بر بسیاری [illegible] میان مردم و پدید
آمدن خیانتها و رنج عامه از ظالمان و افتادن مفارقت
میان زنان و شوهران و پشیمان شدن ایشان و گرفتار
شدن و ظاهر شدن [illegible] تثلیث زهره و مریخ دلالت
بر کشایش کارها بازاریان و ایمنی راهها و عزیزی
مستور و برد و ابریشم و نیکوی حال زرگران و صناعها
و خلاص یافتن محبوسان مقابله زهره و مریخ دلالت کند
بر بسیاری عداوت میان [illegible]

باشد واگر خالی السیر باشد بدی حال علما و دانشمندان
باشد و قوت اهل فساد باشد والله اعلم احتراق مشتری
در جدی چون زحل باوی باشد پیوسته او دلالت کند که
ملک خراسان [illegible] باشد از مرگ و بیماری واگر مریخ باوی باشد
پیوسته او حال دزدان و عیاران و راهزنان بد باشد
و گرفتار شدن این قوم واگر زهره باوی باشد یا متصل او
فراخ نعمت باشد و سال مبارک باشد و حال مردمان نیک
باشد واگر عطارد باوی باشد پیوسته وی آن سال بارانها
بسیار باشد و طعام فراخ بود و حال بازرگانان نیک باشد
واگر ماه باوی باشد یا متصل او عوام الناس را حال نیک باشد
واگر خالی السیر باشد بدی حال حکام و اکابر باشد احتراق
مشتری در سرطان اگر زحل باوی باشد پیوسته او دلالت کند بر
تشویش و فساد میان عوام الناس واگر مریخ باوی باشد
پیوسته او دلالت کند بر تشویش اندر حد مغرب واگر زهره باوی
باشد یا متصل او حال زنان نیک باشد و بارانها بسیار باشد
واگر عطارد باوی باشد یا متصل او مرگ کودکان باشد
واگر [illegible] یا متصل او نیکی حال [illegible] باشد واگر

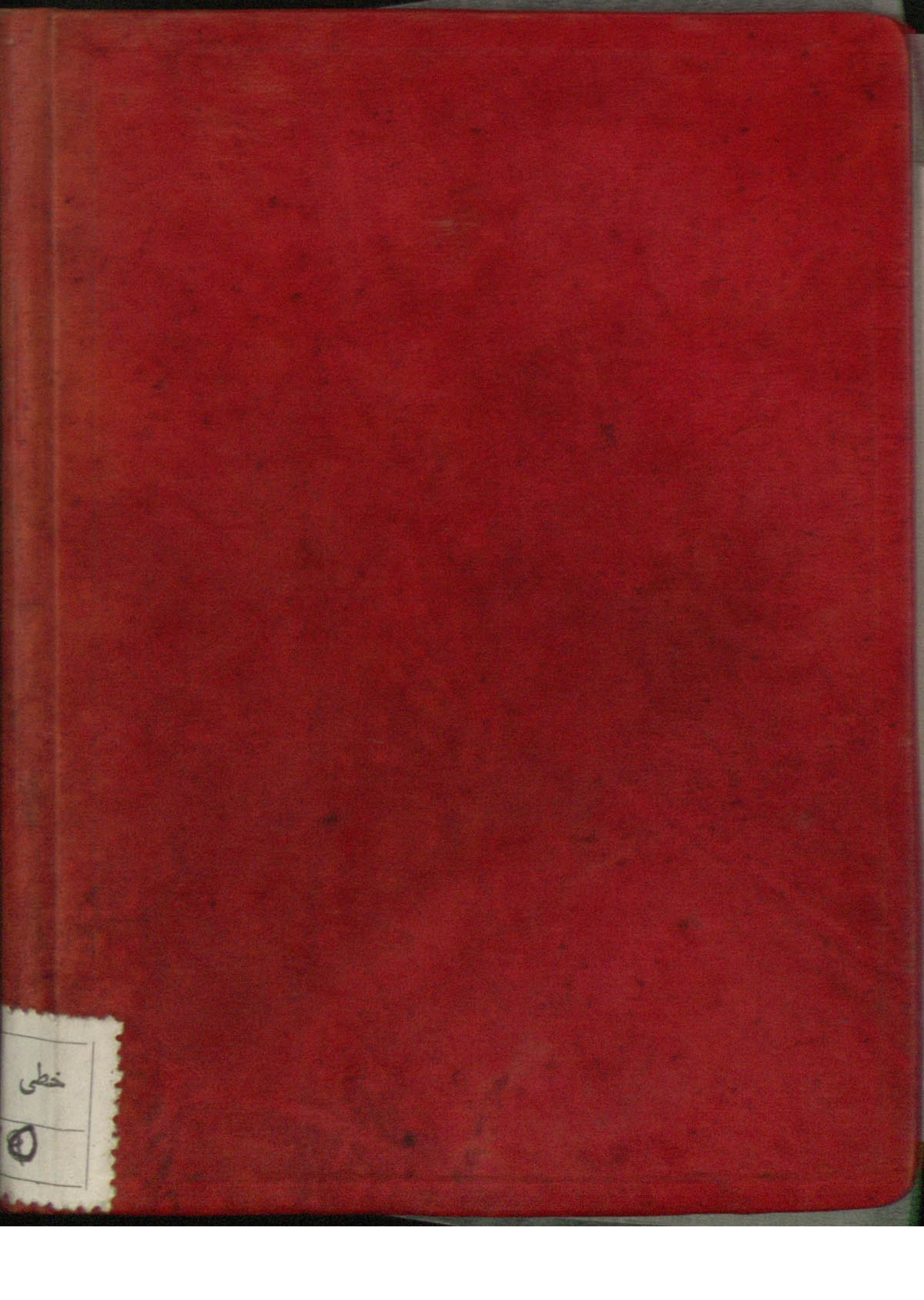
خالی السیر باشد اهل علم را بد باشد احتراق مشتری
در اسد اگر زحل با وی باشد پیوسته وی دلالت کند که ملک
مشرق را بد باشد و اگر مریخ با وی باشد پیوسته او آفت
ملکان بود و بیماری و مخاطره [...] و اگر زهره با وی باشد
یا متصل او دلالت کند بر بیماری [...] و مخاطره زنان و اگر
عطارد با وی باشد یا متصل او حال عطاران و صناعان بد
باشد و خطوط مزور نویسند و اگر ماه با وی باشد پیوسته
او بدی حال بازاریان باشد و اگر خالی السیر باشد نقصان
چارپایان باشد و بدی حال اهل علم باشد والله اعلم
احتراق مشتری در سنبله اگر زحل با وی باشد یا متصل
او بر خاکران شود و اگر مریخ با وی باشد یا متصل او دلالت
کند بر [...] و قوت اهل فساد و [...] و اگر زهره با وی
باشد پیوسته او مخاطره زنان و بدی حال اهل طرب باشد
و اگر عطارد با وی یا متصل او باشد دلیل کند بر جنگ و خصومت
و بیماری بسیار باشد و اگر ماه با وی باشد پیوسته او فراخی
طعامها و نیکویی حال سپاهیان و [...] و اگر خالی السیر باشد
ضعف حال قضاة و ائمه و [...] کار [...] احتراق

مشتری در میزان اگر زحل با وی باشد پیوسته او دشمنی قوی
اندر حد مغرب بیرون آید و اگر مریخ با وی باشد پیوسته او
فتنه و حرب پیدا شود اندر مغرب و اگر زهره با وی باشد یا
پیوسته او نیکویی حال زنان و بازرگانان باشد و بدی حال
عطاران باشد و اگر ماه پیوسته او باشد دلالت کند
که بارانها بسیار آید و علامت اندر هوا پیدا آید و اگر خالی السیر
باشد گرانی نرخها و بیماری زنان باشد احتراق مشتری
در عقرب اگر زحل با وی باشد یا پیوسته او سرمای سخت باشد
و اگر مریخ با وی باشد یا پیوسته او تخلیط از رعیت و فتنه و غوغا
باشد و قوت اهل فساد باشد و اگر زهره با وی باشد یا پیوسته
او حال زنان بد باشد و رنجوری و مخاطره باشد زنان را و اگر
عطارد با وی باشد پیوسته او بارانها بسیار باشد و حال
دبیران و شاعران و بزرگان بد باشد و اگر [...] با وی باشد
پیوسته او حال عوام الناس بد باشد و اگر [...]
باشد حال دانشمندان بد باشد و [...]
احتراق مشتری در قوس اگر زحل با وی
[...] نقصان اموال و اگر مریخ [...]

و فساد و حرب بسیار باشد و اگر زهره با وی باشد پیوسته او
نیکویی [...] زنان باشد و فراخی طعام و اگر عطارد با وی باشد
یا متصل او بارانها بسیار آید و حال عطاردیان بد باشد
و اگر ماه پیوسته او نیکویی حال قومی باشد که بماه منسوب باشند
و اگر خالی السیر باشد مرگ بسیار بود اندر میان مردم و نرخها فراخ
باشد احتراق مشتری در جدی اگر زحل با وی باشد پیوسته
او دلالت کند که سرما بود و اگر مریخ با وی باشد پیوسته او
دلالت کند بر حرکت لشکرها و قوت لشکریان و اگر زهره با وی
باشد پیوسته او بارانی بسیار بارد و ارتفاعات نیک باشد
و اگر عطارد با وی باشد پیوسته او اخبار اراجیف بسیار
آید و بارانها بسیار رود و اگر ماه با وی باشد پیوسته او بارانها
بسیار بارد و اگر خالی السیر باشد بدی حال علما باشد و قوت
اهل فساد والله اعلم احتراق مشتری در دلو اگر زحل با وی باشد
[...] دلالت کند بر نیکی دهاقین و قوت حال اهل [...] و بیرون
[...] و اگر مریخ با وی باشد پیوسته او حال دشمنان
[...] و آمدن باران و اگر [...] بسیار [...]

و رد و حال عوام الناس بد باشد و اگر خالی السیر باشد سرما
و خشکی باشد و دهاقین را و [...] را حال بد باشد احتراق
زحل در دلو اگر مشتری با وی باشد پیوسته او دلالت کند
بر آفت دانشمندان و اگر مریخ با وی باشد یا پیوسته او
[...] اهل فساد باشد و اگر زهره با وی باشد یا متصل او
حال زنان بد باشد و اگر عطارد با وی باشد پیوسته او حال
دبیران و دانشمندان نیکو باشد و اهل قلم و اگر ماه با وی
باشد پیوسته او حال عوام الناس و صناعان بد باشد
و تنگی طعام باشد و اگر خالی السیر باشد تباهی حال مردمان و
[...] و نقصان میوهها و ضعیفی حال اکابر و قوت حال اهل
فساد باشد احتراق زحل در حوت اگر مشتری با وی باشد
پیوسته او دلالت بر فراخی طعام و بیرون آمدن دشمنان
عظیم از اصفهان یا فارس و اگر مریخ با وی باشد پیوسته
او فتنه بسیار باشد اندر زمین خراسان و اگر زهره با وی

او بارانها بسیار بارد و آب چشمها زیادت شود و اگر خالی السیر
باشد مرگ جانوران آبی باشد احتراق مشتری در حمل
اگر شمس در حمل بسوزد و زحل با او باشد دلالت کند که حال
مردم عوام الناس نکو باشد و طعام فراخ شود و اگر مریخ
باوی باشد بارانها بسیار باشد و زیادتی آبها و اگر زهره پیوسته
وی باشد بدی حال زنان و بیماری ایشان باشد و اگر عطارد با
وی باشد پیوسته او بدی حال دبیران و علما باشد و اگر قمر باوی
باشد پیوسته او دلالت کند بر نیکویی حال ملوک و اشراف و
اگر خالی السیر باشد صلاح مردمان فارس و ال فلسطین
باشد والله احتراق مشتری در ثور چون باوی باشد پیوسته
او دلالت کند بر بدی حال عوام الناس و فتنها بخراسان و
کم آبی و نرخها و اگر مریخ باوی باشد پیوسته او دلالت کند که
دشمن ضعیف بیرون آید و اگر زهره باوی باشد پیوسته
او دلالت کند بر فراخی طعام و نیکویی احوال مردم و اگر
عطارد باوی باشد پیوسته او دلالت کند که
[illegible]


خطی